

مقایسه هوش هیجانی و احساس مثبت به همسر در افراد متأهل با ازدواج زودهنگام و دیرهنگام *Investigate the effect of dialect storytelling on communication skills and self-esteem in children with academic achievement decline*

Mina Ansari

M.A. of Educational Psychology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Mojtaba Sedaghati Fard (Corresponding author)

Department of Social Sciences, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran
sedaghati_fard@yahoo.com

مینا انصاری

کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی،

گرمسار، ایران

مجتبی صدافتی فرد (نویسنده مسئول)

گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

sedaghati_fard@yahoo.com

چکیده

Abstract

Aim of this study was to investigate the comparison of emotional intelligence and positive affection for spouse in married individuals with early and late marriage. **Method** was comparative with regard to data collection. Regarding the statistical society, all couples were referred to Tehran's Welfare Advisory Clinics and the Specialized Advisory Center for Advice on Matrimonial Matters. Based on the latest available statistics of 560 couples, 225 couples were selected as sample size. The sampling method was available in a class that was available in proportion to the size of the population. To measure the variables used in the research, two emotional intelligence questionnaires and a positive feeling questionnaire were used. **Results** of the study indicated that the t values obtained for the comparison of the mean of each dimension of emotional intelligence between married individuals with early marriage with late marriage married at the alpha level of 0.01 (two domains) 1) is bigger and there is a significant difference between the early and late marriage of married people in terms of emotional intelligence and each dimension. And married people with late marriage in all aspects of emotional intelligence have a higher average than married married ones. So the assumption of the research was confirmed. There was a difference between a positive affection for a spouse among married couples with early marriage with married couples late in marriage. Also, there is a significant difference between the married and the early and late marriages in terms of positive feelings of change, and married people with a late marriage had a higher than average marriage in the positive sense of an early marriage, so the assumption was confirmed. **Conclusion:** There is a difference between emotional intelligence and its dimensions among married couples with early marriages with married couples late in marriage, and there is a difference between the positive feelings of married women and their early marriage with married couples late in marriage.

Keywords: emotional intelligence, positive emotion, early marriage, late marriage.

این پژوهش با هدف بررسی مقایسه هوش هیجانی و احساس مثبت به همسر در افراد متأهل با ازدواج زودهنگام و دیرهنگام انجام شد. روش علی مقایسه‌ای و جامعه آماری شامل تمامی زوجین مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره تهران بود. بر اساس آخرین آمار موجود از میان ۵۶۰ زوج، ۲۲۵ زوج به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روش نمونه گیری از نوع طبقه‌ای در دسترس، متناسب با حجم جامعه انتخاب شدند و به منظور سنجش متغیرهای مورد استفاده در پژوهش از دو پرسشنامه هوش هیجانی و پرسشنامه احساس مثبت استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مقادیر t بدست آمده برای مقایسه میانگین هر یک از ابعاد هوش هیجانی بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام در سطح آلفای ۰/۰۱ (دو دامنه) از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر بوده و بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام و دیرهنگام از نظر متغیر هوش هیجانی و هر یک از ابعاد آن تفاوت معنی داری وجود دارد، بنابراین فرض تحقیق تأیید شد. همچنین بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام و دیرهنگام از نظر متغیر احساس مثبت تفاوت معنی داری وجود دارد و افراد متأهل با ازدواج دیرهنگام در احساس مثبت از میانگین بالاتری نسبت به متأهلین ازدواج زودهنگام برخوردار بودند بنابراین، فرض یاد شده تأیید شد. نتیجه گیری: که هوش هیجانی و اشخاص آن در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام از متأهلین ازدواج دیر هنگام، بیشتر است و احساس مثبت به همسر در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام از متأهلین ازدواج دیر هنگام، بالاتر است.

کلید واژه‌ها: هوش هیجانی^۲، احساس مثبت^۳، ازدواج زودهنگام^۴، ازدواج دیرهنگام^۵.

^۲- Emotional intelligence

^۳- Positive feeling

^۴- Early marriage

^۵- Late marriage

مقدمه

دانیل گلمن معتقد است، هوش عاطفی بالا تبیین می‌کند که چرا افرادی با ضریب هوشی^۱ متوسط، موفق‌تر از کسانی هستند که نمره‌های بالاتری از "IQ" دارند. ضریب هوشی نمی‌تواند بخوبی از عهده توضیح سرنوشت متفاوت افرادی بر آید که فرصت‌ها، شرایط تحصیلی و چشم‌اندازهای مشابهی دارند. در دهه ۱۹۴۰ وقتی نود و پنج دانشجوی دانشگاه هاروارد را، یعنی دورانی که دانشجویان دانشگاه‌های شرق آمریکا را افرادی با هوش‌های متنوع‌تر از امروز تشکیل می‌دادند؛ تا سنین میان سالی مورد بررسی قرار دادند، چنین دیدند که افرادی که بالاترین نمره‌های تحصیلی را داشتند از نظر میزان حقوق دریافتی، بهره‌وری و موفقیت شغلی از هم‌دوره‌ای‌های ضعیف‌تر خود موفق‌تر نبودند. آنان حتی از نظر میزان رضایت از زندگی شخصی یا رضایت از روابط دوستانه، خانوادگی و عشقی نیز وضعیتی برتر نداشتند اصطلاح هوش عاطفی برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط دو روان‌شناس به نام‌های جان مایر^۲ و پیتر سالووی^۳ مطرح شد. آنان اظهار داشتند، کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند، می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرایند اندیشه و اقدامات شخصی استفاده کنند دانیل گلمن صاحب نظر علوم رفتاری و نویسنده کتاب کار کردن به وسیله هوش هیجانی اولین کسی بود که این مفهوم را وارد عرصه سازمان نمود. گلمن هوش هیجانی را استعداد، مهارت و یا قابلیت دانست که عمیقاً تمامی توانایی‌های فردی را در دایره خود دارد. (برادبری، تراس^۴، ۲۰۰۵، ترجمه گنجی، ۱۳۹۱).

هوش عاطفی، هوش احساسی یا هوش هیجانی^۵ شامل شناخت و کنترل عواطف و احساسات خود است. به عبارت دیگر، شخصی که EQ بالایی دارد، سه مؤلفه هیجان‌ها را به طور موفقیت آمیزی با یکدیگر تلفیق می‌کند: مؤلفه شناختی، مؤلفه فیزیولوژیکی و مؤلفه رفتاری، متون علم مدیریت بر این باورند که رهبران و مدیران، با هوش‌های هیجانی بالاتر، توان بیشتری برای هدایت سازمان تحت کنترل‌شان دارند. یافته‌های جدید نشان می‌دهد کارکنانی که دارای وجدان کاری و احساس وظیفه شناسی بالایی هستند، اما فاقد هوش هیجانی و اجتماعی‌اند، در مقایسه با کارکنان مشابهی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، عملکرد ضعیف‌تری دارند (حبیبی، رجبی، و تریمانی، ۱۳۹۰).

از مقالات پژوهشی برخی دانشمندان این‌گونه بر می‌آید که، کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرایند تفکر و اقدامات شخصی استفاده کنند. هوش هیجانی، اصطلاح فراگیری است که مجموعه گسترده‌ای از مهارت‌ها و خصوصیات فردی را دربر گرفته و به طور معمول به آن دسته مهارت‌های درون فردی و بین فردی گفته می‌شود که فراتر از دایره مشخصی از دانش‌های پیشین، چون بهره هوشی و مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای است (امیری نیا، ۱۳۹۳).

¹ - Intelligence quotient | IQ

² - John Mayer

³ - Peter Salovey

⁴ - Bradbury, Terrace

⁵ - Emotional intelligence | EQ

متوسط سن ازدواج در اواخر قرن سیزدهم تا اوایل قرن شانزدهم، حدود ۲۵ سالگی بوده است. نقش ازدواج‌های ثبت شده و قوانین مربوط به ازدواج، به عنوان بخشی از اصلاحات پروتستان، به تصویب دولت رسید. این اصلاحات نگاه مارتین لوتر را منعکس می‌کرد که ازدواج «امری دنیوی» است در قرن هفدهم، بسیاری از کشورهای اروپایی پروتستان، دچار درگیری با دولت در امر ازدواج، بودند. در سال ۲۰۰۰، متوسط سن ازدواج در گستره ۴۴-۲۵ سالگی برای مردان و ۳۹-۲۲ سالگی برای زنان بود. در انگلستان در سال ۱۷۵۳، اعتبار ازدواج با رضایت و اجماع، تحت قانون تصویب شده^۱، در کلیسای آنجلیکا، تعیین می‌شد این عمل الزامات خاصی همچون، حضور شاهدان در مراسم، را برای ازدواج به وجود می‌آورد (شعویی، ۱۳۹۲). تحقیقات نشان داده است که ازدواج و زندگی زناشویی یک بافت سرشار از عاطفه می‌باشد و در ازدواج‌هایی که زوجین با یکدیگر در تعارض و تضاد باشند، برانگیختگی‌های هیجانی زیادتری دیده می‌شود. به عبارت دیگر، بیشتر تعارض‌ها و اختلافات بین زوجین به دلیل برانگیختگی‌های هیجانی صورت می‌گیرد و همچنین افراد در توانایی دریافت و تشخیص دقیق عواطف خود و دیگران با یکدیگر تفاوت دارند مثلاً بعضی از زوجها آشکارا نسبت به علائم هیجانی همسرشان بی‌توجه هستند و آنان را نادیده می‌گیرند یا آمادگی سوء تعبیر و عدم تشخیص صحیح این عواطف را دارند. حالت غمناکی یا اندوه همسر خود را به عنوان عصبانیت و خشم تفسیر می‌کنند. پیش بینی هیجانات و واکنش‌های مشکل ساز زن و شوهرها، نقش مهمی در اصلاح زندگی زناشویی آنها دارد زندگی زناشویی را می‌توان به قلب تشبیه کرد اولین گام برای پیشگیری از حمله قلبی تعیین عواملی است که باعث حمله قلبی می‌شود. وقتی متوجه می‌شوید که فردی در ناحیه سینه درد دارد، کله‌تروپول خون او بالا است یا تصلب شرایین دارد حدس خواهید زد که او بیمار است. به همین شکل می‌توان مسیر غم انگیز یک ازدواج غمبار را تعیین کرد و اشکال کار زن و شوهرها و دلیل آن را کشف کرد. (ابراهیمی و جان بزرگی، ۱۳۸۷).

ازدواج یا پیوند زناشویی پیوندی آیینی است که طی احکام یا رسومی خاص بین زن و مرد در مذاهب و کشورهای مختلف برقرار می‌شود تا به تشکیل خانواده منجر گردد و می‌تواند منجر به زایش فرزند شود. در برخی از کشورهای جهان، ازدواج همجنس‌گرایان، یعنی ازدواج دو مرد یا دو زن با یکدیگر و تشکیل خانواده نیز وجود دارد. مردم‌شناسان برای اینکه تنوع وسیع اعمال زناشویی مشاهده شده از سوی فرهنگ را در نظر بگیرند چندین تعریف رقابتی از ازدواج پیشنهاد کرده‌اند. ادوارد وست‌مارک در کتابش با عنوان «تاریخ ازدواج انسان (۱۹۲۱)» ازدواج را به این صورت تعریف می‌کند: ارتباط پردوام یا کم‌دوام تر و ماده گذشته از عمل زادآوری محض تا بعد از تولد فرزند اول». او در کتاب آینده ازدواج در تمدن وسترن «تعریف پیشینش را رد می‌کند و در عوض بطور موقت ازدواج را این گونه تعریف می‌کند: «رابطه یک یا تعداد بیشتری مرد با یک یا تعداد بیشتری زن که بوسیله عرف یا قانون پذیرفته شده است» (مزلو، ۲۰۰۵، ترجمه رویگران، ۱۳۹۰). نتیجه تحقیقات جدید نشان می‌دهد که از دهه هشتاد میلادی به بعد میل به مجرد در افراد بیشتر شده ازدواج‌ها کمتر و بی‌دوام تر شده‌اند (گوف، ۲۰۱۳). همچنین نتیجه تحقیقات ثابت می‌کنند که برخلاف باورهای قدیمی که اظهار می‌کردند افراد متأهل نسبت به مجردها از سلامت و حس خوشبختی بیشتری بهره‌مندند دیگر مطلقاً صحت ندارد و در مواردی حتی

¹ - Lord Hardwich

مجردها خوشبختی و سلامت بیشتری از متاهل‌ها دارند. از دلایل اظهار شده برای این مسئله می‌توان به آزادی بیشتر در افراد مجرد و همین‌طور فشار بالا بر روی متاهل‌ها اشاره کرد. به بیان دیگر زیست مشترک در دنیای مدرن دستخوش تغییرات جدی و گام به گام می‌شود و دیگر بسان قدیم نمی‌باشد. چکیده این تحقیقات ثابت کرد که در عصر جدید فردیت با زندگی مشترک در اصطکاک خواهد بود و چالش‌های جدیدی را بوجود خواهد آورد. عامل دیگری که برای توضیح علت سالم‌تر و خوشبخت‌تر بودن مجردها در برابر متأهلین اظهار شده این است که انسان در موقعیت‌های فردی دچار دغدغه‌های ذهنی کمتری است؛ ولی در زمان قرار گرفتن در یک جمع به خاطر افزایش کشمکش‌ها و محاسبات ذهنی برای تعدیل و تعیین رفتار آدمی در قبال طرف مقابل آشفتگی ذهنی افزایش می‌یابد (کورواوی^۱، ۲۰۱۰).

سن ازدواج، سن تمایل است و چنین برمی‌آید که در صورت نیاز اگر ترک آن موجب گناه شود، ازدواج واجب می‌شود. اما در جوامع امروزی سن ازدواج از سن بلوغ جسمی فاصله گرفته است و این شروع بسیاری از مشکلات است. قرآن کریم بلوغ را سن ازدواج می‌داند و از آن با تعبیر بلوغ نکاح یاد می‌کند. روایات ائمه و تفاسیر مختلف نیز بر همین موضوع صحه می‌گذارند؛ به طوری که شیخ طوسی سن ازدواج را سن توانایی جنسی و رغبت به تأهل می‌داند. یعنی سن ازدواج، سن تمایل است و چنین برمی‌آید که در صورت نیاز اگر ترک آن موجب گناه شود (حسینی شیرازی، ۱۳۹۰).

ازدواج واجب می‌شود. اما در جوامع امروزی سن ازدواج از سن بلوغ جسمی فاصله گرفته است و این شروع بسیاری از مشکلات است. در عمل هم نزدیک شدن سن ازدواج به مرز دهه سوم زندگی، پیامدهای رفتاری و روانی تلخی برای جامعه امروزی به دنبال دارد. پژوهش‌ها در این باره از رابطه افزایش سن ازدواج و رواج تجرد با مفاسد و آسیب‌های اجتماعی حکایت می‌کنند و جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مکرر در این باره هشدار می‌دهند. چرا که از منظر روان‌شناسی، تجرد طولانی مدت ریشه بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی است (مردانی، ۱۳۹۵).

در همین راستا در تحقیقاتی که عاصمی و حسینی یزدی (۱۳۹۳) بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام و دیرهنگام بر رضایت زناشویی زنان صورت گرفت که ازدواج واقع‌ای اجتماعی، زیستی فرهنگی است و به دلیل نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است. به طوری که پایداری گروه و زندگی کمی و کیفی نسل‌های متوالیه ازدواج به رضایت زناشویی زوجین بستگی دارد. ایجاد نظم در روابط افراد هر جامعه‌ای در مورد شکل و ابعاد پیوند جنسی قوانینی دارد و سن شروع پیوند جنسی نیز تابع این قوانین است. این پژوهش تأثیر سن ازدواج را بر رضایت زناشویی زنان بررسی می‌کند. بدین منظور تعداد ۲۲ زوج با ازدواج‌های زودهنگام و دیرهنگام به سؤالات پرسشنامه اینریچ^۲ پاسخ دادند، نتایج پس از تحلیل نشان داد، سن ازدواج بت‌هایی نمی‌تواند عامل پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی باشد. یک مؤلفه کلیدی برای سلامت ارتباط این است که زوج‌های شاد می‌دانند که چطور از لحظه‌های شادشان با هم لذت ببرند. این مسلم به نظر می‌رسد که اشتراک لذت‌های زندگی روزمره با شریکتان می‌تواند رابطه طولانی مدت شما را ارتقا بخشد. وقتیکه شما با شریکتان می‌خندید، شما از آن به عنوان یک منبع تقویت مثبت استفاده می‌کنید. همانطور که شریک شما به طور روز

^۱ - Korovaya

^۲ - ENRICH

افزون شما را با تجربیات ارزشمندی همراه می‌کند شما انگیزه او را برای بودن با خود تقویت می‌کنید و بر عکس. با این حال، احساسات مثبت چیزی بیشتر از اسایش روانی تأمین می‌کنند.

بر اساس نتایج سوفی^۱ و همکاران (۲۰۱۴) از دانشگاه لندن: "خنده یکی از حالات احساسی مثبت است که صراحتاً به کاهش فیزیولوژیکی در واکنش استرس زا^۲ به احساسات منفی^۳ مرتبط می‌شود (مانند ترس، عصبانیت و تنفر)^۴ بطوریکه ممکن است از روشهای دیگر مدیریت احساسات منفی موثرتر باشد". خندین به بدن و ذهن فرد کمک می‌کند: در مطالعه‌ای دیگر، اسکات^۵ و تیمش بحث خود را با مدارک گرفته شده از یک مطالعه طولانی مدت روی زوجهای میانسال و مسن، تقویت کردند. این مطالعه روی مزایای کلی ارتباط ناشی از مدیریت هیجانات تمرکز کردند. آنچه که تنظیم هیجانی نام گذاری شده است، یک توانایی برای این که وقتی احساس بدی دارید حال خود را بهتر کنید. اگر افراد قادر به تنظیم احساسات باشند، می‌تواند احساسات منفی مانند عصبانیت، سرخوردگی و خصومت را در خود متوقف کنند. همچنین می‌توانند واکنشهای طنز آمیز در محدودیتها داشته باشند که منعکس کننده موقعیت بطور مناسب است (شاکل فورد و همکاران^۶، ۲۰۱۴).

ازدواج نهادی است که زندگی افراد را به شیوه‌های گوناگون عاطفی و اقتصادی به هم پیوند می‌زند. در بسیاری از فرهنگ‌های غربی، ازدواج معمولاً به ایجاد خانواده‌ای جدید که از زوج متأهل تشکیل می‌شود منجر می‌شود که در خانه‌ای مشترک با هم زندگی می‌کنند و غالباً از بستر یکسانی استفاده می‌کنند، ولی در بعضی از فرهنگ‌های دیگر سنت این نیست در میان «میانگ کاباو» ها در غرب سوماترا، در منزل مادری^۷ است و شوهر به خانه مادر زن نقل مکان می‌کند. اقامت بعد از ازدواج می‌تواند در منزل پدری^۸ و یا منزل دایی شوهر^۹ باشد. چنین ازدواج‌هایی در پکن امروزی به طور روزافزونی متداول می‌شوند. از سوی دیگر، ازدواج لازمه همزیستی نیست. در بعضی موارد زوج‌هایی که با هم زندگی می‌کنند دوست ندارد متأهل شناخته شوند. مثلاً هنگامی که حق بازنشستگی یا نفقه به طرز منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرند یا به خاطر ملاحظات مالیاتی، مسائل مهاجرتی و دلایل فراوان دیگر. در جوامع امروزی غربی بعضی از زوج‌ها پیش از ازدواج با هم زندگی می‌کنند تا کارایی چنین تمهیدی را در طولانی مدت بیازمایند. در بعضی از موارد هم زیستی ممکن است منجر به ازدواج عرفی شود و در بعضی از کشورها هم زیستی را به رسمیت ازدواج به جهت منافع مالیاتی و امنیت اجتماعی ترجیح می‌دهند. این در مورد استرالیا صدق می‌کند (بل^{۱۰}، ۲۰۱۱).

¹ -Sophie

² - Stressful reaction

³ - Negative feelings

⁴ - Fear, anger and hatred

⁵ -squat

⁶ - Shackle Ford and colleagues

⁷ -matrilocal

⁸ - patrilocal

⁹ - avunculocal

¹⁰ -Bell

پژوهشگران در حال حاضر در تلاش هستند دریابند که آیا احساسات مثبت و تفکر گسترده متقابلاً به رشد یکدیگر کمک می‌کنند و آیا احساسات مثبت می‌تواند تفکر مثبت را در فرد القا کند، به طوری که به نوبه خود احساس مثبت را افزایش دهد و بدین ترتیب به عنوان یک محرک تقویت کننده دو سویه به آسایش بیشتر فرد بیانجامد (جعفری، ۲۰۰۹).

عشق و محبت عامل پیوند دهنده‌ی زن و شوهر و موجب حفظ ثبات آن‌ها می‌شود. از آن گذشته، عشق و محبت از کیفیتی برخوردار است که می‌تواند بسیاری از تنشهای میان زوجها را محو کرده، بر خود محوری‌ها سرپوش بگذارد. البته عشق تنها برای تداوم مناسب زناشویی و احساس رضایتمندی کافی نیست. حفظ پیوند ازدواج مستلزم وجود عوامل دیگری نیز هست که اگر وجود نداشته باشند، زن و شوهر باید آن را در زندگی زناشویی خود بوجود آورند (میرشکار، ۱۳۸۷).

عوامل پاسدار روابط زناشویی عبارتند از تعهد^۱، وفاداری^۲، صمیمیت^۳، روابط جنسی^۴، اعتماد^۵، تقرب^۶، ایمنی پیوندهای عشق و محبت را حراست می‌کنند. عشق به خودی خود مشکلات را حل نمی‌کند. اما، انگیزه‌ی قدرتمندی برای غلبه بر آنها فراهم می‌سازد. آمار سرسام آور طلاق نشان دهنده‌ی این نیست که مردم امروزی هیچ علاقه‌ای به ازدواج ندارند، بلکه این آمار نشان می‌دهد که توقع بیشتری نسبت به گذشته از زندگی مشترک دارند. زن‌ها و مردها به یک اندازه از زندگی ناراضی هستند زیرا توقعات آنها از ازدواج نسبت به قبل افزایش یافته است، ما به زندگی سرشار از عشق و علاقه نیاز داریم ما به محبتی دائمی از یک فرد کاملاً استثنایی و منحصر به فرد نیاز داریم (ویر، ۲۰۱۳؛ ترجمه عزیز، ۱۳۹۴).

لذا زمانی می‌توان گفت که رابطه زوجین، از لحاظ هوش هیجانی در سطح بالایی قرار گرفته که زن و شوهر انرژی خود را برای برطرف کردن و تعمیر اختلاف‌ها صرف کنند. تعمیر یعنی نشان دادن عشق و محبت زن و شوهر به یکدیگر بدون توجه به تعارض و کشمکشی که دارند. طول مدت ازدواج و سن ازدواج و محیطی که افراد در آن پرورش یافته‌اند و الگوی‌های خانوادگی هر یک از زوجین در هدایت این عشق و محبت و احساسات مثبت می‌تواند تأثیر بسزای داشته باشد با توجه به زندگی مدرن و تغییر در علم و پیشرفت تکنولوژی در عصر حاضر روابط زوجین و زمان ازدواج جوانان را نیز تحت سلطه قرار داده و این تغییرات بیانگر این واقعیت است که در ازدواج‌های زود هنگام و دیر هنگام زوجین چگونه می‌توانند از مهارت‌های هوش هیجانی در درون رابطه عاطفی و عاشقانه و احساسات مثبت خود استفاده کنند و در کدام یک از دو گروه در ابراز این احساسات و عواطف بطور مثبت مداوم مورد استفاده قرار می‌گیرد. و برقراری رابطه‌ای که به خوشبختی و کامیابی منجر می‌شود مستلزم توانایی ظرفیت هوش هیجانی بالایی است که قدرت درونی، مهارت‌های تسلط بر نفس و توانایی تحمل توفان‌های زندگی و قدرت ابراز عواطف و احساسات مثبت و به هنگام را زوجین داشته باشند تا بتوانند با احترام و عشق و گذشت دو جانبه با همسر خود به آرامش ذهنی^۷، کار یا زندگی دست یابند و لاغیر در دنیای

¹ - obligation

² - Loyalty

³ - Intimacy

⁴ - Sex

⁵ - the trust

⁶ - Approaching

⁷ - Peace of mind

آشفته درون خود زندگی خواهند کرد و پایانی جز جدایی نخواهند داشت در مجموع هدف این پژوهش بررسی مقایسه هوش هیجانی، و احساس مثبت به همسر در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام و دیر هنگام مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به موارد ذکر شده، سؤال پیش روی پژوهشگر این است که:

آیا میزان هوش هیجانی بر احساس مثبت به همسر در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام و دیر هنگام تفاوت دارد؟

روش

روش این پژوهش با توجه به گردآوری داده‌ها از نوع علی مقایسه‌ای بوده است. جامعه آماری در پژوهش، کلیه زوجین مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره بهزیستی تهران و مرکز مشاوره تخصصی آزاد بامداد به منظور دریافت مشاوره در زمینه مسائل زناشویی بود که بر اساس آخرین آمار و اطلاعات موجود، ۵۶۰ زوج بوده است و نمونه‌ای به حجم ۲۲۵ نفر انتخاب شدند نمونه گیری طبقه‌ای در دسترس متناسب با حجم جامعه استفاده شد که به منظور سنجش متغیرهای مورد استفاده در پژوهش از دو پرسشنامه هوش هیجانی، و پرسشنامه احساس مثبت بهره گرفته شد پس از مشخص شدن نمونه مورد بررسی براساس مراجعین و انجام مصاحبه و اجرای پرسشنامه هوش هیجانی و پرسشنامه احساس مثبت به عنوان پیگیری به عمل آمد برای بررسی موضوع از میان روش‌های مختلف جمع آوری اطلاعات، ابزار این پژوهش شامل دو پرسشنامه استاندارد زیر بود:

پرسشنامه هوش هیجانی

در سال ۱۹۸۰ با طرح این سؤال که «چرا بعضی مردم نسبت به بعضی دیگر در زندگی موفق‌ترند» آغاز گردید. سال‌ها تصور می‌شد که هوش افراد (IQ)، موفقیت آنان را در زندگی تعیین می‌کند. مدارس برای ثبت نام دانش آموزان در برنامه‌های مختلف و همچنین شرکت‌ها و کارفرمایان برای انتخاب افراد، از آزمون IQ استفاده می‌کردند. ولی در ده سال اخیر، محققان دریافته‌اند که IQ تنها شاخص موفقیت افراد نیست. اکنون توجه به سمت هوش هیجانی (EQ) است که به عنوان شاخص دیگر موفقیت افراد محسوب می‌شود. هوش هیجانی نوع دیگر باهوش بودن است و شامل درک احساسات خود برای تصمیم‌گیری مناسب در زندگی است (EQ). توانایی کنترل حالت‌های اضطراب آور و کنترل واکنش‌هاست. این به معنی پراکنگیزه و امیدوار بودن به کار و رسیدن به اهداف است. به طور کلی EQ یک مهارت اجتماعی است و شامل همکاری با سایر مردم، کاربرد احساسات در روابط و توانایی رهبری سایر افراد می‌باشد. با توجه به اهمیت هوش هیجانی در زندگی، لزوم دسترسی به ابزار سنجش مناسبی در این زمینه وجود دارد که متناسب با فرهنگ و جامعه‌ی ایرانی قابل کاربرد باشد. در این زمینه، ضمن جستجو در منابع اطلاعاتی، پرسشنامه‌ی هوش هیجانی بار-ان، به دلیل جامعیت، سادگی، تنوع سؤالات و نابستگی به فرهنگ غیر ایرانی، انتخاب گردید. پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان در مورد میزان هوش غیر شناختی (هیجانی، شخصی و اجتماعی) گزارش می‌دهد و در محیط‌های آموزشی، صنعتی، بالینی و طبی، قابلیت کاربرد را داراست. پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان در سال ۱۹۸۰ با طرح این سؤال که «چرا بعضی مردم نسبت به بعضی دیگر در زندگی موفق‌ترند» آغاز گردید. فرم اولیه‌ی این آزمون دارای ۱۱۷ سؤال و ۱۵ مقیاس بود که توسط بار-ان بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۶ کشور (آرژانتین، آلمان، هند، نیجریه و آفریقای جنوبی) که ۴۸٫۸ درصد آنان مرد و ۵۱٫۲ آنان زن بوده‌اند اجرا شده و به

طور سیستماتیک در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید. هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان در ایران توسط راحله سموعی و همکاران، در سه دانشگاه شهر اصفهان صورت پذیرفته و فرم نهایی آن به ۹۰ سؤال تقلیل یافته است. افراد از سن هیجده سال تا سنین بالاتر، مشروط بر اینکه از حد متعارفی از تحصیلات (حد اقل دیپلم) برخوردار باشند، مطابق با این روش پایایی آزمون ۹۹٪ گزارش گردید که در سطح $P < 0/001$ معنا دار است.

پرسشنامه احساس مثبت

پرسشنامه احساسات مثبت نسبت به همسر» یک ابزار ۱۷ سوالی است که برای اندازه گیری عواطف مثبت یا عشق به همسر شناخته شده است. این ابزار، اثر تماس، تنها بودن با همسر، بوسیدن و «نزدیک هم نشستن» را بر همسر می سنجد. این پرسشنامه را کسی که هفت کلاس درس خوانده باشد می تواند پاسخ بدهد؛ علاوه براین، به آسانی اجرا و تصحیح می شود. به همین علت مقیاس بسیار مفیدی برای مشاوره و درمان زناشویی است. پرسشنامه احساسات مثبت نسبت به همسر» روی چندین نمونه از جمله ۴۶ مرد و ۴۶ زن که با آگاهی روزنامه انتخاب شدند و ۵۸ مرد ۵۶ زن (زوج) پریشان از بین مراجعان درمانگاه زوج درمانی دانشگاه، اجرا شده است. میانگین مردان گروه اول $100/52$ ($SD = 12/4$) و زنان همان گروه $104/25$ ($SD = 9/7$) بود؛ و میانگین مردان مراجعه کننده به درمانگاه $83/98$ ($SD = 18/2$) و میانگین زنان همین گروه $73/86$ ($SD = 22/4$) بود. پرسشنامه احساسات مثبت نسبت به همسر» با ضریب آلفای $0/94$ از یک همسانی درونی عالی برخوردار است. پرسشنامه احساسات مثبت نسبت به همسر»، با توجه به همبستگی معنا دار آن با آزمون سازگاری زناشویی، مقیاس ارتباط ناواران، پرسشنامه افسردگی بک رتبه بندی همسران از تعهد زناشویی، و رتبه بندی رفتار مثبت همسران، از روایی همزمان بسیار خوبی برخوردار است. نمره زنان مراجعه کننده به درمانگاه در این پرسشنامه از مردان این گروه به طور معناداری کمتر بود، اما در مورد گروه اول (که از طریق روزنامه انتخاب شدند) چنین نبود. همچنین این پرسشنامه نسبت به تغییرات ناشی از درمان حساس است.

یافته‌ها

روش آماری مورد استفاده در این پژوهش آمار توصیفی شامل (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل (علی - مقایسه‌ای (T مستقل)) بود.

فرضیه اول: بین هوش هیجانی و ابعاد آن در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام تفاوت وجود دارد.

جدول ۱- مقایسه تفاوت میانگین هوش هیجانی و ابعاد آن در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام

شاخص آماری متغیرها	گروه	میانگین	انحراف معیار	t	p
حل مساله	زود هنگام	۳/۱۷	۰/۵۵۸	-۳/۷۸	۰/۰۰۰
	دیر هنگام	۳/۴۴	۰/۵۳۰		
شادمانی	زود هنگام	۳/۰۱	۰/۸۴۵	-۴/۱۱	۰/۰۰۰
	دیر هنگام	۳/۴۴	۰/۶۶۲		
استقلال	زود هنگام	۳/۱۹	۰/۴۵۵	-۲/۸۱	۰/۰۰۵
	دیر هنگام	۳/۳۸	۰/۵۳۰		
تحمل فشارروانی	زود هنگام	۳/۵۷	۰/۵۶۲	-۲/۴۳۰	۰/۰۱۶
	دیر هنگام	۳/۷۴	۰/۴۳۸		

۰/۰۰۲	-۳/۱۱	۰/۷۹۹	۳/۳۳	زود هنگام	خود شکوفایی
		۰/۶۴۵	۳/۶۳	دیر هنگام	
۰/۰۲۲	-۲/۳۱	۰/۷۴۳	۲/۲۳	زود هنگام	خود آگاهی هیجانی
		۰/۶۰۹	۲/۴۵	دیر هنگام	
۰/۰۰۱	-۳/۲۸	۰/۶۷۰	۲/۷۳	زود هنگام	واقع گرایی
		۰/۷۷۵	۳/۰۵	دیر هنگام	
۰/۰۰۰	-۸/۲۲	۰/۷۰۲	۲/۷۱	زود هنگام	روابط بین فردی
		۰/۵۶۸	۳/۴۲	دیر هنگام	
۰/۰۰۰	-۵/۱۷	۰/۷۶۳	۲/۴۴	زود هنگام	خوش بینی
		۱/۰۱	۳/۰۵	دیر هنگام	
۰/۰۰۰	-۷/۹۶	۰/۷۷۳	۲/۸۳	زود هنگام	احترام به خود
		۰/۶۷۶	۳/۶۱	دیر هنگام	
۰/۰۰۰	-۶/۷۰	۰/۵۷۶	۲/۵۱	زود هنگام	کنترل تکانش یا خویشتن داری
		۰/۶۳۱	۳/۰۵	دیر هنگام	
۰/۰۰۰	-۳/۶۳	۰/۶۶۲	۲/۸۰	زود هنگام	انعطاف پذیری
		۰/۶۶۸	۳/۱۲	دیر هنگام	
۰/۰۰۰	-۵/۲۱	۰/۶۸۷	۲/۷۹	زود هنگام	مسئولیت پذیری اجتماعی
		۰/۶۷۱	۳/۲۶	دیر هنگام	
۰/۰۰۰	-۵/۵۱	۰/۵۹۵	۲/۴۰	زود هنگام	همدلی
		۰/۹۱۱	۲/۹۶	دیر هنگام	
۰/۰۰۰	-۴/۰۳	۰/۵۵۹	۲/۵۸	زود هنگام	خود ابرازی
		۰/۷۶۷	۲/۹۴	دیر هنگام	
۰/۰۰۰	-۶/۹۳	۰/۴۷۷	۲/۸۲	زود هنگام	هوش هیجانی (نمره کل):
		۰/۴۲۵	۳/۲۴	دیر هنگام	

یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد بین هوش هیجانی و ابعاد آن (حل مساله، شادمانی، استقلال، تحمل فشارروانی، خود شکوفایی، خود آگاهی هیجانی، واقع گرایی، روابط بین فردی، خوش بینی، احترام به خود، کنترل تکانش یا خویشتن داری، انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری اجتماعی، همدلی، خود ابرازی) در بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام، تفاوت وجود دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مقادیر t بدست آمده برای مقایسه میانگین هر یک از ابعاد هوش هیجانی بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام در سطح آلفای ۰/۰۱ (دو دامنه) از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر بوده بنابراین فرض تحقیق تأیید می‌شود. به عبارت دیگر با ۰/۹۹ اطمینان می‌توان اذعان داشت که بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام از نظر متغیر هوش هیجانی و هریک از ابعاد آن تفاوت معنی داری وجود دارد و افراد متأهل با ازدواج دیر هنگام در تمامی ابعاد هوش هیجانی از میانگین بالاتر نسبت به متأهلین ازدواج زود هنگام دارد.

فرضیه دوم: بین احساس مثبت به همسر در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام او ازدواج دیر هنگام تفاوت وجود دارد.

جدول ۲- مقایسه تفاوت میانگین بین احساس مثبت به همسر در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام

شاخص آماری متغیرها	گروه	میانگین	انحراف معیار	t	p
احساس مثبت به همسر	زود هنگام	۳/۰۸	۰/۵۶۶	-۵/۰۹	۰/۰۰۰
	دیر هنگام	۳/۵۴	۰/۷۹۷		

یافته‌های جدول (۲) نشان می‌دهد بین احساس مثبت به همسر در بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام، تفاوت وجود دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مقادیر t بدست آمده برای مقایسه میانگین هر یک از ابعاد هوش هیجانی بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام در سطح آلفای ۰/۰۱ (دو دامنه) از مقدار t

جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر بوده بنابراین فرض تحقیق تأیید می‌شود. به عبارت دیگر با ۰/۹۹ اطمینان می‌توان اذعان داشت که بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام از نظر متغیر احساس مثبت به همسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد و افراد متأهل با ازدواج دیر هنگام از میانگین بالاتر نسبت به متأهلین ازدواج زود هنگام دارد و احساس مثبت بیشتری نسبت به همسر خود دارند.

بحث و نتیجه گیری

در مورد فرض نخست که عبارت بود از؛ بین هوش هیجانی و ابعاد آن در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام تفاوت وجود دارد، با توجه به کمبود قابل ملاحظه مداخلات روان‌شناختی در زمینه خیانت‌های زناشویی، پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌بینی گرایش به خیانت در بین زوجین بر اساس تعارضات زناشویی انجام شده است. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و ابعاد آن (حل مساله، شادمانی، استقلال، تحمل فشارروانی، خود شکوفایی، خودآگاهی هیجانی، واقع‌گرایی، روابط بین فردی، خوش‌بینی، احترام به خود، کنترل تکانش یا خویشتن‌داری، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همدلی، خود ابرازی) در بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام، تفاوت وجود دارد و افراد متأهل با ازدواج دیر هنگام در تمامی ابعاد هوش هیجانی از میانگین بالاتر نسبت به متأهلین ازدواج زود هنگام دارد. در همین زمینه نتایج پژوهش با یافته‌های پیشین همخوانی و مطابقت دارد.

در همین زمینه صاحبقران فرد و سلیمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که بین میانگین نمرات شادکامی و نارسای هیجانی در افراد زود ازدواج و افراد دیر ازدواج تفاوت آماری معناداری وجود دارد. بطوریکه میانگین نمرات افراد دیر ازدواج در متغیر شادکامی بیشتر از افراد زود ازدواج بود. اما میانگین نمرات افراد زود ازدواج در دشواری شناسایی و توصیف هیجان‌ات و تفکر عینی در مقایسه با افراد دیر ازدواج بطور معناداری بیشتر بود. براساس این نتایج پیشنهاد می‌شود متخصصین خانواده برای افزایش شادکامی و همچنین کاهش نارسای هیجانی در بین زوجین اقدام به درمان‌های ترکیبی یا انفرادی نمایند. افرادی که دارای ازدواج دیر هنگام، توانایی خودآگاهی و خودکنترلی هیجانی بیشتری دارند. این افراد توانایی اطلاع از عواطفی که شخصاً تجربه می‌گردد و کنترل هیجان‌اتی که در برخورد با دیگران دارند، را دارند. چنین افرادی با شناخت و بصیرت درونی، که نسبت به تمایلات عاطفی خود و دیگران دارند، بهترین عملکرد را در موقعیت‌های گوناگون زندگی بروز می‌دهند. تنظیم هیجان، آگاهی از احساس و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب در زندگی و توانایی تحمل ضربه‌های روحی و مهار آشفته‌گی‌های روانی است و اعتماد به نفس و کنترل درونی افراد را افزایش می‌دهد. بنابراین، آن‌ها را در مقابل مشکلات خانوادگی و اجتماعی، جرم و جنایت، اختلال‌های روانی و رخداد‌های ناگهانی، ایمن می‌سازد. در واقع افراد دارای ازدواج دیر هنگام، از توانایی حل مسئله بهتر، شادمانی بیشتر، استقلال بیشتر، تحمل فشار روانی بیشتر، خوش‌بینی بیشتر، خودشکوفایی بیشتر، خویشتن‌داری بیشتر و مسئولیت‌پذیرتر هستند و در نتیجه طبیعتاً این افراد از هوش هیجانی بیشتری نیز برخوردار خواهند بود. می‌توان گفت که افراد زود ازدواج در مؤلفه‌های دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر بیرون‌مدار/ عینی در مقایسه با افراد دیر ازدواج بیشتر است. بدین معنی که افراد زود ازدواج در شناسایی و توصیف عواطف و احساسات خویش نسبت به افراد دیر ازدواج

در سطح پایین تری قرار دارند. در تبیین نتایج مطالعه حاضر می توان گفت یکی از مهمترین مهارت های مورد نیاز زندگی مشترک توانایی آگاهی از خود و خصوصیات مختلف خود است. این توانایی ها به فرد کمک می کند تا با توانایی ها و ضعف ها و سایر خصوصیات خود آشنا شده و با آگاهی عمیق از خود و دیگران وارد زندگی با فرد دیگری شود. از طرف دیگر با افزایش سن افراد، توانایی آنها نیز در زمینه موارد اشاره شده نسبت به سال های قبل بهتر و بیشتر می گردد. بطوریکه به مرور زمان و در اثر افزایش سن مهارت های خود آگاهی افراد ارتقاء یافته و می توانند احساسات خود را شناسایی کنند، از آنها آگاه شده و این احساسات را بطور مطلوب کنترل و ابراز کنند. همچنین می توانند بر نقاط قوت و ضعف خود در زمینه روابط اجتماعی و هیجانی آگاه شده و با تکیه بر نقاط قوت، نقاط ضعف خود را کاهش دهند. آگاهی از نقاط ضعف باعث می شود که فرد با استفاده از این آگاهی بتواند تسلط بیشتری بر خود داشته باشد. همچنین می توان گفت با افزایش سن توانایی افراد علاوه بر اینکه در زمینه شناخت و توصیف احساسات بلکه در زمینه شناخت و تنظیم اهداف و برنامه زندگی مشترک نیز می تواند بهبود یابد.

در مورد فرض دوم، که عبارت بود از اینکه بین احساس مثبت به همسر در افراد متأهل با ازدواج زود هنگام او ازدواج دیر هنگام تفاوت وجود دارد، نتایج حاصل از فرض دوم نشان داد که بین احساس مثبت به همسر در بین افراد متأهل با ازدواج زود هنگام با متأهلین ازدواج دیر هنگام، تفاوت وجود دارد و افراد متأهل با ازدواج دیر هنگام از میانگین بالاتر نسبت به متأهلین ازدواج زود هنگام دارد و احساس مثبت بیشتری نسبت به همسر خود دارند. در همین زمینه صاحبقران فرد و سلیمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که بین میانگین نمرات شادکامی و نارسایی هیجانی در افراد ازدواج زود هنگام و افراد ازدواج دیر هنگام تفاوت آماری معناداری وجود دارد. بطوریکه میانگین نمرات افراد ازدواج دیر هنگام در متغیر شادکامی بیشتر از افراد ازدواج زود هنگام بود. اما میانگین نمرات افراد ازدواج زود هنگام در دشواری شناسایی و توصیف هیجانات و تفکر عینی در مقایسه با افراد ازدواج دیر هنگام بطور معناداری بیشتر بود. براساس این نتایج پیشنهاد می شود متخصصین خانواده برای افزایش شادکامی و همچنین کاهش نارسایی هیجانی در بین زوجین اقدام به درمان های ترکیبی یا انفرادی نمایند. در بسیاری از مواقع، اجرای موفق مسئولیت های شغلی، اجتماعی و تربیتی افراد تحت شعاع ازدواج موفق آنها قرار می گیرند. وقتی افراد با تشنج خاطر و رضایت زناشویی پایین به انجام وظایف خود می پردازند، فقدان انرژی و تمرکز حواس و گاهی کمبود انگیزه و از دست دادن هدف مانع از ایفای نقش مؤثر آنها می شود. بنابراین داشتن یک زندگی موفق عامل ضروری برای پیشرفت جامعه محسوب می شود که آن هم در گروه ازدواج موفق می باشد. طبیعتاً افراد دارای ازدواج دیر هنگام احساسات مثبت بهتری نسبت به همسر خود دارند.

منابع

- برادبری، ت. ۲۰۰۵. هوش هیجانی، هوش هیجانی ترجمه گنجی، م ویراستار گنجی، ح. ۱۳۹۱. تهران: ساوالان.
 ابراهیمی، ا، جان بزرگی، م (۱۳۸۷). رابطه مهارت های ارتباطی و رضایت زناشویی، روانشناسی و دین، ۲: ۱۴۷-۱۶۴.
 امیری نیا، م. (۱۳۹۳). هیجان رفتار و تن گفتار، تهران: نشر آراسته، صفحه ۳۹۲، نشریه هوش، زبان و هیجان رفتار.
 حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۳۹۱). ازدواج و راهکارها. تهران: کتاب سبز.

- حبیبی، ی؛ رجبی، سعید، نریمانی، محمد. (۱۳۹۰). **مقایسه هوش هیجانی و کیفیت زندگی در مردان معتاد و غیر معتاد** مجله اعتیاد پژوهی دوره ۵ شماره ۱۹ ص ۲۱-۳۸.
- شعبی، ف. (۱۳۹۲). ازدواج موفق. تهران: کتاب سبز.
- صاحبقران فرد، م؛ آرمون، ع و سلیمانی، ا. (۱۳۹۴). **مقایسه سبک‌های عشق در افراد زود ازدواج و دیر ازدواج، همایش بین‌المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی، استانبول، موسسه سفیران فرهنگی مبین.**
- سلیمانی، ا؛ حبیبی، عسگر آبادی، م؛ صاحبقران فرد، م. (۱۳۹۴). **مقایسه شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد زود ازدواج و دیر ازدواج** پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی.
- عاصمی، ز؛ حسینی یزدی، س. (۱۳۹۳). **بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام و دیرهنگام بر رضایت زناشویی زنان** مقاله روانشناسی اجتماعی محل انتشار: کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری.
- مردانی، م. (۱۳۹۵). **ازدواج زودهنگام/حلقه‌هایی که بر دستان می‌غلند.** مجله سلامت نیوز. شماره ۵ دوره ۱۳ ص ۲۰-۲۵.
- میرشکار، میترا (۱۳۸۷) **هنر عشق ورزیدن**، تهران: نشر طاووس فرهنگ چاپ دوم
- مزلو، ابراهام. (۲۰۰۵). **روان‌شناسی عشق ورزیدن**. ترجمه شیوا رویگران، ۱۳۹۰. تهران: وحید.
- وپر، ر. (۲۰۱۳). **مدیریت عشق و عاطفه**. ترجمه عزیزی، ۱۳۹۴. تهران: موسسه فرهنگی آموزشی توفی.
- Bell, Duran (2011). «Defining Marriage and Legitimacy». *Current Anthropology* 38 (2): 237-254. Bell describes marriage as «a relationship between one or more men (male or female) in severalty to one or more women that provides those men with a demand-right of sexual access within a domestic group and identifies women who bear the obligation of yielding to the demands of those specific men.»
- Gough, E. Kathleen (2013), «The Nayars and the Definition of Marriage», Royal
- Korotayev A. (2010) Form of marriage, sexual division of labor, and postmarital residence in cross-cultural perspective: A reconsideration. *Journal of anthropological research* ISSN 0091-7710. 2010, Vol. 59, No. 1, pp. 69-89
- Shackelford R, Besser M, Goetz DF. (2014) Or better or for worse: Marital well-being of newlyweds. *Journal of Counseling Psychology*; 14: 223- 42.
- Sophie et al. (۲۰۱۴) Investigation of the relationship between laughter on positive emotions and reduction of physiology in Esters reaction to negative emotions University of London *Journal of Counseling Psychology*; 21; 2: 201-212.
- Jafari S, Yazdi SM. (2009) [Investigation of relationship between dimensions of family function with womens general health (Persian)]. The second students national congress of counseling development and dynamic. Alzahra University; 62.